

در میزگرد فارس با متولیان بازار سرمایه بررسی شد بورس ارز راه حل پوشش شکاف قیمتی میان بانک و بازار آزاد

پیشنهاد ارزی عبده تبریزی برای کشف قیمت واقعی در بورس
پورا براهیمی: دعوی مخالفان بورس ارز بر سر جایگاه است نه اصل موضوع
شبهت آتی ارز به آهن تف دیده برای بورس کالا

نخستین بار در پاییز سال ۹۱ ایده راهاندازی بورس ارز از سوی متولیان وقت بازار سرمایه مطرح شد اما با مخالفت سفت و سخت برخی نهادها و فعالان بخش خصوصی از جمله اتاق بازرگانی، مدیران بورس مجبور به پس گرفتن حرفهای خود شدند.

پس از گذشت مدتی اما همسو با نوسانی شدن قیمتها و بالاگرفتن نگرانی واردکنندگان کالاهای واسطه‌ای از جمله خودروسازان؛ دولت با انتشار بخشنامه‌ای از مرکز مبادلاتی ارز بجای بورس ارز رونمایی کرد.

هر چند که دولت راهاندازی بورس ارز را منتفی ندانست اما مرکز مبادلات ارزی از همان ابتدا مدلی کپی برداری شده از بورس ارز قلمداد شد که در شرایط تحریمها ارز حاصل صادرات را به قیمت مبادله‌ای که روزانه اعلام می‌شد بر اساس شرایطی در اختیار واردکنندگان قرار می‌داد. در این بین با وجود آنکه بسیاری از صادرکنندگان مواد خام و کالاهای اساسی برای عدم عرضه ارز خود در این مرکز پافشاری کردند اما ادامه روند فعالیت مرکز مبادلاتی به پدید آمدن نرخ جدیدی به نام نرخ توافقی برای ارز در این مرکز منجر شد.

در چنین اوضاعی راهاندازی بورس ارز از دستور کار دولت خارج شد تا این که در جریان بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ یکبار دیگر در صحن علنی از سوی نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس مطرح اما در ادامه کار، نماینده پارلمانی دولت در مقابل این پیشنهاد ایستاد و با آن مخالفت کرد. توجه آن نیز محدودیت‌های ارزی ناشی از تحریمهای ارزی و اوضاع نامناسب اقتصادی اعلام شد.

در آن زمان برخی از نمایندگان مجلس معتقد بودند، زمانی که بیش از ۸۰ درصد ارز را دولت تامین می‌کند ایجاد بورس ارز معنا ندارد. اعتقاد بر این بود در شرایط تورم اگر بورس ارز راهاندازی شود، مردم سپرده‌های خود را از بانکها برمی‌دارند و ارز می‌خرند.

اکنون با به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای و امکان برنامه ریزی بهتر برای دوران پس از حذف تحریمهای ارزی و مالی یکبار دیگر موضوع راهاندازی بورس ارز بر سر زبانها افتاده با این تفاوت که این بار بر حسب اتفاق متولیان بانک مرکزی و دولت نیز موافق پدید آمدن چنین بازار متشکل و شفاف در نظام ارزی کشور هستند البته با شرط و شروطهای فراوان.

این در حالی است که لزوم راهبری برنامه ها و سیاست‌های اقتصادی دولت در سر و سامان دادن به بازارها اهمیت راه‌اندازی بورس ارز را برای اجرای برخی تصمیم‌های کلان مدیریتی دو چندان می‌کند. دولت تصمیم دارد تا برنامه تک‌نرخ کردن ارز را بر مبنای نظام شناور مدیریت شده پیش ببرد.

اعتقاد بر این است که تا زمانیکه نرخ ارز بر مبنای چند نرخ اعلام می‌شود می‌تواند زمینه فساد و رانت را برای عده‌ای قلیل و اغلب با انگیزه‌های سوداگرایانه فراهم آورد ولی در صورت راه‌اندازی بورس ارز علاوه بر شکل‌گیری نظامی شفاف و متشکل امکان ظهور و بروز این رانت‌ها به حداقل رسیده و مسیر ورود و خروج درآمدهای ارزی دولت و بخش خصوصی در بازار آتی ارزی با مکانیزمی عادلانه شفاف می‌شود. اما برای تحقق این آرزو گویا هنوز راه بسیاری مانده است.

در این رابطه خبرگزاری فارس در میزگردی تحت عنوان « بررسی بورس آتی ارز؛ مزایا و چالش‌ها » افق‌های پیشروی این بازار نوین را با حضور سه تن از متولیان بازار سرمایه به چالش کشیده است. در این میزگرد دکتر حسین عبده تبریزی عضو شورای عالی بورس در کنار محمد رضا پور ابراهیمی از اعضای شورای عالی بورس و نماینده مجلس شورای اسلامی و همچنین حامد سلطانی نژاد مدیر عامل بورس کالا در سالن اجلاس خبرگزاری فارس حضور یافتند و درباره دیدگاه‌های کارشناسی در این خصوص به بحث و گفتگو نشستند.

از میان این جمع صمد کریمی مدیر کل اداره بازرگانی بانک مرکزی نیز اگر چه به این نشست تخصصی دعوت شده بود اما به دلایل نامعلوم در آخرین دقایق باقیمانده تا شروع میزگرد از حضور در آن انصراف داد. هر چند که ساعتی بعد در گفتگویی اختصاصی با خبرگزاری فارس هر آنچه که از بابت بازار آتی ارز در دل پنهان داشته بود بر زبانش جاری کرد.

نگاهی به گفت و شنودهای حاصل از این میزگرد و شکیبایی تا پایان آن حرف‌های گفتنی بسیاری برای متولیان اقتصادی کشور و بویژه بانک مرکزی و بورس در بر دارد؛

فارس؛ ضمن خوشآمد به سروران گرامی، به عنوان نخستین پرسش از آقای عبده تبریزی می‌خواهم بپرسم که راه‌اندازی بورس آتی ارز که کلیات آن در شورای عالی بورس تصویب شده با شرط رییس کل بانک مرکزی مبنی بر یکسان‌سازی نرخ ارز مواجه است. خیلی‌ها معتقدند که اقتصاد ایران هنوز امکان یکسان‌سازی نرخ ارز را ندارد. نظر شما در این زمینه چیست؟ از طرفی آیا مصوبه اخیر شورای عالی بورس با دیدگاه بانک مرکزی مبنی بر یکسان‌سازی نرخ ارز به عنوان پیش شرط راه‌اندازی این بورس نوین به اصطلاح « وعده سر خرمن » نیست؟

عبده تبریزی: تک‌نرخ شدن ارز سابقه قبلی در ایران دارد. این موضوع در اوایل دهه ۸۰ یکبار اتفاق افتاده و بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی بعد از سال‌ها تلاش، در نهایت موفق شدند ارز را تک‌نرخ کنند. در ضرورت

تک‌نرخی شدن ارز هیچ کس در دولت ابهامی ندارد، چون نظام چند نرخي مبتنی بر فساد است و طبیعی است که از این نظر همه متولیان کشور موافق تک‌نرخي شدن ارز هستند

اما مسئله عمده این است که در شرایط تحریم‌ها، امکان تک‌نرخي شدن ارز میسر نبود، چون کسب و کارها با هزینه بالای مبادلات ارز مواجه بودند و اصلاً عملی نبود ارز را به یک جنس واحد تبدیل کرد. به بیانی دیگر، ارز یک جنس واحدی نبود، چون طبق بندهای تحریم در سال‌های آخر این موضوع نهفته بود که کشورهای خریدار نفت از پرداخت ارز منع شدند و به تناسب باید از آن‌ها کالا وارد می‌شد. بنابراین ارزی که در هند طلبکار بودیم با ارزی که در چین یا کره جنوبی و یا ترکیه طلبکار بودیم فرق می‌کرد؛ ۴ نوع ارز مختلف بود و بازارهای تنزیل آنها هم با یکدیگر فرق می‌کرد. این ارزها از یک جنس نبود که بتوان آنها را در یک بازار واحد با یکدیگر معامله کرد.

صحبت‌های رییس کل بانک مرکزی مبنی بر یکسان‌سازی نرخ ارز از این بابت صحیح است، چون باید بتوان بازار واحد برای ارز ایجاد کرد. در این زمینه، همه متولیان امور کشور اتفاق نظر دارند و از سویی بعد از رفع تحریم‌ها زمینه یکسان‌سازی فراهم می‌شود.

اگر فرض کنیم رفع تحریم‌ها بخش‌های مالی با فاصله‌ای از ژانویه (دی ماه امسال) شکل می‌گیرد، می‌توان امیدوار بود که در نیمه اول سال ۱۳۹۵ به سمت نظام تک‌نرخي ارز حرکت شود و از این نظر دیگر «وعده سر خرمن» نخواهد بود. شما تأیید می‌کنید در شرایطی که چند نرخ برای ارز در بازار وجود دارد، نمی‌توانیم سراغ بازار آتی ارز برویم، مگر این که بخواهیم برای یک نوع از این ارزهای مختلف بازار ایجاد کنیم. اما در مجموع می‌توان گفت ظرف ۶ ماه آینده بازار آتی را ارز می‌توان فعال کرد.

فارس؛ آقای دکتر عبده، پیش‌نیاز این موضوع وجود درآمدهای ارزی است که قابلیت ورود به کشور داشته باشد. پیش‌بینی‌ها حاکی از کاهش قیمت جهانی نفت در سال آینده است. وقتی دولت درآمد ارزی کافی ندارد به نظر شما می‌شود باز هم به یکسان‌سازی نرخ ارز امید بست؟

عبده تبریزی: البته، می‌توان رقم درآمد ارزی دولت هر چه باشد می‌توان برای آن بازار واحد ایجاد کرد. ولی اگر طبعاً درآمد دولت پایین باشد، نرخ ارز افزایش می‌یابد. بدیهی است اگر تقاضا بیش از عرضه باشد، قیمت بالا می‌رود. اما در این که حتی بدون دولت و حتی اگر درآمد دولت صفر هم باشد می‌توان برای آن بازار ایجاد کرد، هیچ تردیدی نکنیم.

فارس، روی قیمتی که بشود ارز را یکسان کرد اختلاف سلیقه وجود دارد. برخی معتقدند نرخ ارز باید افزایش یابد تا جذابیت صادرات کالای داخلی حفظ و رانت واردات حذف شود. برخی هم می‌گویند تورم داخلی با این وضعیت ایجاد می‌شود و قیمت‌ها را باید در سطح پایینی نگه داشت. نظر شما در این رابطه چیست؟

عبده تبریزی: سیاست‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد. یک نظر می‌گوید نرخ سود بانکی بالا بماند و در عوض چون واردات ارز داریم، قیمت‌ها در بازار ارز خودبه‌خود تعدیل می‌شود. عده‌ای هم مثل بنده معتقدند اگر نخواهیم نرخ ارز خیلی بالا برود، و برای حفظ نرخ تورم پایین، و با توجه به این که سیستم بانکی با بحران و از هم پاشیدگی مواجه شده و مشکلات عدیده‌ای پیدا کرده، بانک مرکزی مجبور خواهد شد نرخ سود بانکی را با شدت بیشتری کاهش دهد. هر یک از این موارد به یک استراتژی و مسیر متفاوتی از نرخ ارز می‌انجامد.

ارز در دست دو گروه است: یکی دولتی‌ها و دیگری عمدتاً شبه‌دولتی‌ها که اغلب از محل فروش فرآورده‌های پتروشیمی و میعانات گازی و یا سایر صادرات غیرنفتی از درآمد ارزی برخوردارند. در بهترین حالت، طی دو سال اخیر نسبت این دو گروه در مالکیت درآمدهای ارزی ۵۰-۵۰ بوده است. به عبارتی، درآمد ارزی دولت طی این سال‌ها حدود ۴۰ میلیارد دلار بوده و بخش مقابل نیز همین طور. اگر فرض کنیم این نسبت‌ها رعایت شود، سهم ۵۰ درصدی دولت از درآمدهای ارزی آن قدر هست که باعث نفوذ در بازار شود. برای همین معتقدم بازار ارز تنها با حضور بانک مرکزی می‌تواند شکل و نظام بگیرد، زیرا بدون بانک مرکزی امکان‌پذیری بازار سودگرایانه یا speculative بیش‌تر است. بنابراین، اگر سیاست‌های دولت در بازار آتی ارز با حضور بانک مرکزی اجرایی نشود، بازار آتی به جای این که دوازده مشکلات باشد، خود مشکلی ایجاد می‌کند.

این که بانک مرکزی چگونه در این بازار دخالت کند و چگونه می‌توان بازاری ایجاد کرد که به قیمت بازار آزاد نزدیک باشد، خود سؤال است. در شرایطی که ۵۰ درصد ارز در دست یک بازیگر عمده است و ۵۰ درصد مابقی در دست دیگران تقسیم شده، چگونه می‌توان بازار درست کرد؟ بازار در چنین شرایطی که یک بازیگر عمده وجود دارد، چگونه نرخ تعیین می‌کند؟

اگر بانک مرکزی معتقد باشد قیمت ارز را در چنین بازاری کشف کند، به نظر من باید در شروع هر سال، دولت اعلام کند. از طریق بودجه چه حجمی از ارز را بنا دارد طی سال در بازار به فروش رساند. به عنوان مثال خودش را متعهد کند که ۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ در بازار خواهد فروخت و آهنگ فروش (مثلاً هفتگی) را هم تعیین کند. اگر دولت چنین حجمی از ارز را نداشت، متعهد است از خارج تسهیلات بگیرد و به بازار عرضه کند. برعکس هم اگر ارز زیاد داشت، در آن سال ارز اضافه را نفروشد.

در آن موقع، بازار تکلیف خود را خواهد دانست. می‌داند در چه ابعاد و میزانی دولت در طول سال، ارز خواهد فروخت و بر آن مبنی قیمت از درون بازار ارز کشف می‌شود. ممکن است این موضوع با سیاست‌های دولت در تناقض باشد و دولت همچنان علاقه داشته باشد که قیمت ارز خود را پایین‌تر از قیمت بازار تعیین کند. در آن صورت می‌توان انتظار داشت قیمت ارز بعد از یک دوره زمانی چندساله با آزاد شدن فنر قیمت‌ها به رقم‌های بالاتر پرش کند. و جامعه اقتصادی را دچار شوک کند. از این رو شاید بهتر باشد برای جلوگیری از آن پرش‌ها، قیمت ارز را بازار تعیین کند سازوکاری

که من پیشنهاد می‌کنم این است که دولت در اول سال اعلام کند که با آهنگ زمانی مشخصی در طول سال، ارز را از طریق بورس یا بازار بین بانکی خواهد فروخت. در این صورت، بازار آتی ارز نیز کارآمدتر فعالیت کرده و قیمت‌های آتی را با دقت بیشتری تعیین خواهد کرد.

فارس؛ آقای پور ابراهیمی نظر شما درباره دیدگاه بانک مرکزی مبنی بر یکسان‌سازی نرخ ارز به عنوان پیش شرط راه‌اندازی بورس ارز چیست؟ از طرفی بازار ارزی که قرار است ایجاد شود بر اساس چه مبنایی است آیا بر اساس نظام مند کردن یک بازار سفته بازان است و یا بازاری با چشم انداز ۳۰ ساله؟

پور ابراهیمی: این که آقای سیف راه‌اندازی این بازار را مشروط به یکسان‌سازی نرخ ارز کرده به سابقه آن در سالیان متمادی برمی‌گردد که بین بانک مرکزی و شورای عالی بورس همواره وجود داشته استوان این که این بورس کجا قرار است ایجاد شود.

بنابراین بخشی از این اختلاف نظرها ناشی از اختلاف‌های سنتی و ساختاری میان این دو بازار و دو متولی است که وجود دارد. از لحاظ جایگاه قانونی بانک مرکزی باید متولی اصلی ارز باقی بماند اما این که از ابزارهای مالی متناسب با شرایط کشور به منظور پوشش ریسک‌های فعلی استفاده کرد موضوعی است که همه متولیان کشور بر آن اتفاق نظر دارند.

از سویی در مقاطعی که به هر دلیلی با عدم ورود درآمدهای ارزی به کشور مواجه هستیم باید بتوان از ابزارهایی استفاده کرد که در انتهای دوره بواسطه تسویه نقدی که انجام می‌شود حتی بخشی از محدودیت‌های ارزی را پوشش دهد. اساساً این موضوع کمک می‌کند به بحث پوشش ریسک. در هیچ کجای دنیا نمی‌توان نمونه‌ای را یافت که سرمایه‌گذاری وقتی به کشور یوآرد می‌شود و می‌خواهد درآمدهای خود را منتقل کند، به‌طور معمول از ابزارهای این چنینی که جنس آن از نوع پوشش ریسک است استفاده می‌کنند.

بنابراین مشروط کردن راه‌اندازی بازار آتی ارز با رویکرد یکسان‌سازی نرخ به اختلاف نظر متولیان بازار پول و سرمایه باز می‌گردد. ما از جایگاه مجلس یا شورای عالی بورس به جنس این دو نگاه کاری نداریم. ما می‌گوییم در کشور اکنون نیازمند ابزارهای مالی برای استفاده از آنها هستیم که یکی از این ابزارها ابزار پوشش ریسک است.

اینکه تک‌نرخی شدن ارز یک الزام است همه بر سر آن موافق هستند. در حال حاضر هر کشوری که با ارز چند نرخی مواجه است بدون شک با فساد در اقتصاد خود مواجه بوده و همیشه این موضوع به ضرر مردم تمام شده است. در سال‌های اخیر که برای کالاهای اساسی ارز مبادلاتی تخصیص یافته اگر از مردم پرسید که قیمت روغن وارداتی را با ارز ۲۶۰۰ تومان برایش حساب کرده اند یا با ارز ۳۵۰۰ تومان ب شما پاسخ خواهند داد که با ارز آزاد. این در شرایطی است که واردات با این فرآیند انجام شده و رانتهی هم در آن تعریف شده و در نهایت به مصرف نهایی تبدیل شده است.

اعتقاد بر این است در شرایطی که امکان نظارت در چنین بازاری وجود ندارد چه بهتر که وقتی مردم این هزینه را از جیب خود پرداخت می کنند این نرخ در بازاری متشکل، شفاف شود.

الان صحبت بر این نیست که منابع و مصارف ارزی کشور با هم می خواند یا نه. بلکه سوال این است که در سالهایی که تحریم بوده ایم تا به امروز آیا ارز به یک نرخ آزاد در اقتصاد کشف شده یا نه؟ حتماً این نرخ وجود داشته. در حال حاضر روزانه برخی افراد در امارات آخرین وضعیت نرخ ارز را با خارج کشور بررسی می کنند و عدد گذاری می کنند. در اقتصاد چه بخواهیم و چه نخواهیم یک نرخ بازاری برای ارز شکل گرفته و این می تواند تبدیل به بازاری رسمی شود که بر اساس آن اطلاعات و داده های این بازار نیز محفوظ و شفاف باشد. هدف از راه اندازی بورس ارز شفافیت سازی اطلاعات غیررسمی است. این یکی از اقدام های اساسی فارغ از منابع و مصارف ارزی کشور است. کاهش قیمت نفت به همان نسبت، نرخ فرآورده ها را هم کاهش داده و واردات را هم کاهش می دهد. همین الان برای شش ماهه اول امسال ۲۰ درصد کاهش در صادرات و ۱۵ درصد در واردات کشور اعلام شده است.

تغییر در منابع و مصارف ارزی کشور نرخ ارز را تغییر می دهد اما بازار را عوض نمی کند. من جمله آقای عبده را تصدیق می کنم. در این که یکی از عوامل تاثیر گذار در نوسان کردن قیمت ارز رخدادهای تراز بازرگانی کشور است هیچ شکی وجود ندارد اما این یک عامل است.

آثار تاثیر گذار بر تورم داخلی در مقایسه با تورم خارجی در سال های اخیر نیز در این بین مهم است. ارز در سالهایی که با نظام چند نرخ مواجه بوده با یک نرخ بیرونی به نام نرخ آزاد مواجه بوده است. اگر این نرخ به طور رسمی بر روی تابلو کشف شود همه چیز قابل افشاء خواهد بود.

در دوره مدیریت سابق بانک مرکزی نیز با راه اندازی چنین بازاری متولیان این بانک مخالف بودند و می گفتند که اگر چنین بازاری ایجاد شود مجبوریم کدهای معاملاتی خود و دیگران را افشاء کنیم و از این بابت فروشنده های ارزی و نفتی مشخص می شوند و غیره. در آن زمان گفتیم حتی در زمان تحریم ها می توان این موضوع را مدیریت کرد. الان تمام دعوا بر سر این است که بازار آتی ارز در جایگاهی به نام بورس کالا قرار گیرد و یا در بازاری از سوی بانک مرکزی و در صرافی ها تعریف شود.

الان دعوا بر سر موضوع نیست بلکه بر سر جایگاه ایجاد بازار است. متأسفانه کشف قیمت شفاف ارز در کشور از بابت یک بحث غیرمنطقی در حال کم رنگ شدن است. معتقدم با توجه به چشم اندازهای پیش رو و امیدواری برای کنار زدن سایه تحریم ها، راه اندازی بورس آتی ارز یک ضرورت اجتناب ناپذیر است که هر چه زودتر انجام شود به طور حتم می تواند به کشور کمک کند.

جالب است بدانید پیشنهاد کردیم با حضور شرکت های صرافی حتی ایستگاههای معاملاتی در بورس ارز از سوی این اشخاص ایجاد شود و صرافی ها در بورس حضور یابند.

فارس؛ یعنی صرافی ها بیایند در بورس؟

پور ابراهیمی : بله... چه اشکالی دارد...؛ بگذارید به موضوعی اشاره کنم. ما در راه اندازی معاملات نفت خام در بورس کالا نیز همین دردها را داشتیم. چندین بار پیگیری کردیم در وزارت نفت و حاضر به همکاری نبودند.

فارس؛ اما شما در شورای عالی بورس به یک جمع بندی و توافقی رسیدید که قرار شده بورس آتی ارزش را بیافتد .

پور ابراهیمی : بله، من می خواهم بگویم این موضوع ها دغدغه واقعی نیست و قابل حل شدن است. مدیران وقت وزارت نفت در ابتدا به طور کامل مخالف عرضه نفت در بورس بودند که دهها جلسه برگزار شد که در نهایت گفتند دو تا کارگزاری به ما بدهید.

در آن زمان من رییس هیات مدیره بورس کالا بودم. حدود ۹ بار عرضه نفت خام در بورس کالا انجام شد اما قیمت را به گونه ای عرضه کننده می گذاشت که هیچ خریداری حاضر به خرید نمی شد .

فارس؛ متولی بازار ارزش بانک مرکزی است. با بورس ارزش این موضوع خدشه دار نمی شود؟

پور ابراهیمی : بورس ارزش بستری است برای کشف قیمت. تبیین و تدوین و اجرای سیاست های ارزی که به بورس ربطی ندارد. وقتی ۵۰ درصد بازار در دست متولی آن است به طور حتم سیاست ها در دست آنها است. اعتقاد بر این است که معاملات نقدی شفاف را از طریق بستر بورس ارزش می توان ایجاد کرد. کما این که شبکه های کارگزاری ارزی بانک مرکزی هم می توانند از این بستر استفاده کند.

در کدام بورس کالایی دنیا طرف ذی نفع ، متولی بورس بوده است؟ این تلقی اشتباه است که تصور می کنیم بورس از بازار منفعت می برد. بورس مثل استادیوم فوتبال است که زمینه بازی تیم های ورزشی را فراهم می کند. اینجا مشخص است که بازیگران عرضه اقتصاد می توانند در این بازار خود را نشان دهند و در فرآیند عرضه و تقاضا کشف قیمت صورت می گیرد و مالکیتی برای بازار وجود ندارد.

فارس؛ کشف قیمت نرخ ارزش در بازار آزاد در حال حاضر انجام می شود. در زمینه بازار آتی سکه دیدیم که در هنگام نوسانی شدن قیمت ها یک زمان بازار آتی بر بازار نقدی اثر می گذاشت و در زمانی دیگر بازار نقدی ترمز قیمت ها را می کشید. آیا قرار است چنین بازاری ایجاد شود؟ چه نیازی است وقتی قیمت ارزش هم اکنون در بازار آزاد کشف می شود بازار جدیدی هم به نام بورس آتی ارزش ایجاد شود؟

بازار آزاد رسمی نیست؛ حتما می تواند شکل گیری چنین بازاری بر بازار آزاد اثر گذار باشد اما در اینجا هدف از ایجاد بازار آتی ارزش این نیست که حتماً نگاه سفته بازی باشد و یا بلندمدت.

چندین هدف در این زمینه وجود دارد. یکی از هدف ها در چنین بازارهایی انگیزه های سفته بازانه افرادی است که می خواهند سود کنند. یکی دیگر از اهداف پوشش ریسک و یا به عبارتی هجینگ است. با چنین ابزاری می توان به طور کامل ریسک نوسان نرخ ارزش را پوشش داد.

فارس؛ به چه شکل؟

به این صورت که فرض کنید برای شرکت واردکننده دارو فردی می‌خواهد بداند نرخ ارز مورد نیازش در آینده چگونه است. در این شرایط با بستن قراردادی در یک فاصله زمانی، نرخ ارز را با عدد مشخصی از طرف مقابلش توافق می‌کند که دریافت کند و بابت آن درصد و هزینه آنرا می‌پردازد و تعهدات در طرف مقابل آن از این بابت پرداخت می‌شود.

اینها روش‌هایی است که در دنیا نیز اجرا شده و چیز جدیدی نیست. در مجموع هدف اصلی از راه‌اندازی بازار آتی ارز شفافیت نرخ ارز در بازار رسمی است. نباید از شفافیت نگران بود و باید از درج عمومی قیمت‌ها در تابلوی شفاف بازار متشکل بورس استقبال کرد.

از سویی دیگر انگیزه‌های سفته‌بازی و واسطه‌گری را نیز می‌توان از طریق این بازار کنترل و مدیریت کرد. در همان بازار آتی سکه نیز در مواردی که احساس می‌شد نوسانی شدن قیمت‌ها در روند معاملات روی بازار نقدی سکه اثر گذار شده کنترل شد.

در بورس امکان کنترل نوسان‌های کاذب وجود دارد اما در بازار آزاد ارز هم اکنون فرآیند قیمت‌گذاری‌ها رها شده است.

باید پرسید امروز متولی نظارت بر عملکرد صرافی‌ها د چه کسی است؟ برای صرافی غیرمجاز به تازگی شورای پول و اعتبار اقدام به تنظیم آیین‌نامه کرده تا بتوان اصلاحشان کرد. صرافی‌ها در اقتصاد اکنون چه می‌کنند؟ چه کسی بر کارکرد آنها نظارت می‌کند.

اعتقاد بر این است که باید بازار متشکلی که بتواند در کنار سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی شفافیت را ایجاد کند ایجاد شود که با توجه به بسترها و تجربه موجود در بازار سرمایه بتوان از ظرفیت‌های آن استفاده کرد.

فارس؛ اگر بتوان به دلار عنوان کالای استراتژیک را اطلاق کرد باید گفت خیلی از کشورها ابتدا اقدام به بسترسازی بازار کردند. تا زمانی که بازیگر اصلی بانک مرکزی است و به بازار آزاد به عنوان حیاط خلوت نگاه کرده چطور می‌توانیم بازار شفاف مبتنی بر عرضه و تقاضای آزاد داشته باشیم؟ اگر بخواهیم هجینگ را پوشش دهیم همان بازار آتی سکه جواب می‌دهد. برای بازار آتی ارز باید رفت در مناطق آزاد تجاری یا نقاط مرزی. هنوز بخش بانکداری کشور برای سرمایه‌گذار خارجی که به دنبال انتقال سرمایه خود پس از کسب سود است شفاف نیست و بانکدار خارجی هم نداریم. آیا شکل‌گیری بازار آتی ارز در کنار بورس آتی سکه می‌خواهد کمک کند به عدم شکل‌گیری بازاری غیرشفاف به عنوان دلار فردایی و یا می‌خواهد کمک کند به اقتصاد ایران در ۳۰ سال آینده؟ چگونه می‌تواند کمک کند در شرایطی که ایران هنوز بستری برای فعالیت بانکداران خارجی ندارد؟

سلطانی نژاد: قبل از هر چیز باید بگویم در حال حاضر دغدغه همه کشورها تشکیل بازار مالیشده است. به تازگی در چین اجلاسی برگزار شد درباره اوراق کالا محور بر روی محصولات پتروشیمی. چین همه تلاش‌ها و سیاست‌های خود

را متمرکز کرده تا بازار مالی اش را تقویت کند. در پیچه آنرا نیز به دلایل مختلف منطقه تجاری هنگ کنگ قرار داده است.

همه کشورها دغدغه خود را امروز بازار مالی و توسعه آن قرار داده اند.

اخیراً تصویری از کره زمین در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود که اندازه هر کشوری را به اندازه بازار مالی آن متصور شده بود. ایده این بود که اگر اندازه مالی کشوری را معادل مساحت آن قرار دهیم این کشورها چه اندازه‌ای پیدا خواهند کرد. جالب است بدانیم هنگ کنگ، تایوان و سنگاپور از روسیه و چین بزرگتر بودند. این کشورهایی که از آنها نام بردم در حال حاضر حرف‌های بسیاری برای گفتن دارند که دلیل اصلی آن تقویت بازار مالی است.

باید پرسید بازار مالی کجاست؟ بازار مالی مکانی است که اغلب افرادی که در آن فعالیت می‌کنند به عنوان فعالان مالی و همچنین افرادی که در عرف به آنها سفته‌بازان مالی و دنبال سود هستند اطلاق می‌شود. همیشه نگاه منفی به آنها بوده و برخی اوقات هم به آنها عنوان دلال اطلاق شده و از بازار حذف شده اند. دلال مثل انرژی است که از حالتی به حالت دیگر تبدیل می‌شود بنابراین هیچ‌گاه دلال حذف نمی‌شود. در بازار مالی می‌توان این دلال‌ها را کانالیزه کرد بطوری که به نفع منافع اقتصادی کشور حرکت کنند. در دنیا بازار مالی در حال حاضر بر روی همه چیز در حال شکل‌گیری است. حتی بر روی کالاهای پایه. در اجلاسی که اشاره کردم تقابلی بود میان چین و امریکا و سخنران کلیدی آن رییس هیات مدیره بورس کالای شیکاگو بود که مبدع فیوچرز نوین است. پیرمردی ۸۴ ساله‌ای که قرارداد فیوچرز استاندارد را اختراع کرده است. حضور این شخصیت معروف و معتبر در چین برای چیست؟

چون چین دانسته از چه طریق می‌تواند دنیا را به تسخیر خود درآورد. می‌خواهد بازار مالی شکل دهد و استراتژی‌ها به آن سمت در حال حرکت است جالب آنکه امریکا در حال مشارکت با چین در این زمینه است. همچنین بانک زیربنایی آسیا که چین عهده دار آن است، نخستین کشوری که اعلام آمادگی کرد که با چین وارد قرارداد شود آمریکایی‌ها بودند.

به تدریج کشورهای دیگر از جمله ایران نیز به این بانک پیوسته اند. این اهمیت بازار مالی است که باید شکل بگیرد. در مورد بازار ارز نیز مطالعات بسیاری صورت گرفته که نمونه‌ای از آن در بورس کالا وجود دارد که در واقع ترجمه‌ای از BIS است و بررسی می‌کند که بانک‌های مرکزی باید در بازارهای ارز دخالت کنند یا نه؟ BIS در این زمینه پرسشنامه‌ای میان ۱۹ بانک مرکزی در دنیا منتشر می‌کند مبنی بر این که بانک مرکزی آیا باید در بازار نقدی یا مالی ارز دخالتی داشته باشند یا نه؟

نتیجه این که ۱۱ رییس بانک مرکزی در این زمینه اعلام کرده اند که هیچ‌گاه در بازار ارز از طریق بازارهای مشتقه یا سلف در بازار ارز دخالتی نداشته اند.

دو رییس بانک مرکزی نیز گزارش داده اند که بطو معمول از بازارهای مشتقه برای تحقق اهداف ارزی خود استفاده می‌کنند. ۱۹ بانک مرکزی هم اعلام کرده‌اند صرفاً از طریق دخالت در بازار نقدی اهداف خود را دنبال می‌کنند. این مطالعه در سال ۲۰۱۳ انجام شده است.

جمع بندی روسای بانک مرکزی کشورهای توسعه یافته اغلب مبنی بر این بوده که دخالتی در بازار ارز ندارند چون بخش خصوصی آنها آن چنان بازار مالی قوی را تشکیل داده که نیازی به مداخله بانک مرکزی در بازار مالی وجود ندارد. اما اغلب بانک‌های مرکزی در کشورهای در حال توسعه گفته‌اند به دلیل نقش پررنگ بانک مرکزی در بازار ارز، نقش چندانی بخش خصوصی در بازار مالی ندارد.

اگر آرژانتین را به عنوان کشوری در حال توسعه محسوب کنیم بانک مرکزی از طریق مبادله مستقیم در بازار عمده فروشی ارز، سیاست‌های خود را دنبال می‌کند منتهی چارچوب‌های سیاست‌های خود را نیز افشاء می‌کند. به نوعی سیاست‌های نحوه عرضه ارز در بازار را اعلام می‌کند. در برزیل نیز همین موضوع وجود دارد و در کشورهای مختلف این موضوع می‌تواند رخ دهد.

در بازار مشتقه انعطاف‌هایی وجود دارد که در بازار نقدی وجود ندارد از جمله موضوع تحویل ارز در سررسید. ارزی که در چین داریم با ارز در کره جنوبی متفاوت است که حرف درستی است و در شرایط تحریم‌ها موضوع انتقال آنها بسیار حیاتی است.

اما در بازار مشتقات الزاماً معاملات ارز منجر به تحویل نمی‌شود. در بورس کره جنوبی معاملات سلف در حالی وجود دارد که از اول قرارداد قرار نیست هیچ کدام منجر به تحویل شوند. کره جنوبی نمونه خوبی برای بازار مالی و اوراق قرضه است. این بازار توانسته از طریق راه‌اندازی بازارهای مالی مختلف از جمله بورس ارز منابع مالی را به سمت خودش جذب کند.

در حال حاضر ارتباط‌های گسترده‌ای با بورس کره جنوبی برقرار شده و از تجربه آنها نیز بنا است استفاده کنیم. در ایران بانک مرکزی به عنوان سیاست‌گذار اصلی بازار ارز، همواره مدیریت‌کننده بازار بوده و باید نقش این متولی در بازار ارز تعیین شود. در این میان بانک مرکزی با ملاحظاتی که دارد باید بر اساس یک جدول زمانبندی شرایط در نظر گرفته شده از سوی خود را اعلام کند تا فعالان اقتصادی تکلیف خود را از بابت مدیریت ارز از سوی بانک مرکزی بدانند. این جمع بندی اعضای شورای عالی بورس در رابطه با بوس آتی ارز است.

فارس؛ برخی کارشناسان معتقدند یکی از ابهام‌های ارزی کشور ناشی از بانک مرکزی است. دانش جعفری وزیر اقتصاد دولت قبل در زمانی گفته بود ارز به این خاطر در بازار افزایش یافته که دولت قصد پرداخت یارانه دارد. یا مثلاً در حال حاضر دولت برای جبران کسری بودجه به دنبال افزایش قیمت‌ها در بازار آزاد است. آیا راه‌اندازی بازار آتی ارز می‌تواند به شفافیت سازی وضعیت

عرضه‌کننده عمده ارز در بازار هم می‌شود و این که آیا بانک مرکزی حاضر است خود را در این چارچوب قرار دهد؟

سلطانی نژاد: سیاست گذاری‌های بانک مرکزی در بسیاری از کشورها نیازمند افشا شدن است. در برخی کشورها می‌بینیم بانک مرکزی برای بازار سازی و سیاست گذاری در بورس ارز روی موقعیت فروش قرار می‌گیرد. اما فعالیت بانک مرکزی باید فعالیتی عاری از سود و غیرانتفاعی باشد چرا که هدف تنظیم سیاست گذاری‌ها است.

در کشورهای در حال توسعه اگر کشور خود را مقایسه کنیم می‌بینیم که این مدل را تجربه کرده اند بطوریکه دیده می‌شود بانک مرکزی آنها با افشای سیاست گذاری‌های خود می‌تواند در بازارهای نقدی و فیوچرز ورود کند. اما نکته‌ای که وجود دارد این که برای راه‌اندازی هر بازاری الزام‌هایی وجود دارد. وقتی بازار مالی می‌خواهد تشکیل شود نیازمند قوانین و مقررات و سازو کاری مشخص با نرم افزارها و سخت افزارهای مناسب است.

برای بازار نقدی نیز همین نیاز وجود دارد. تجربه بانک مرکزی برای راه‌اندازی بازار ارز بین بانکی در سال ۸۹ که چندان هم موفق نبوده نشان داد که یکی از دلایل چالش‌های آن نبود سیستم پایاپای مناسب برای تسویه ارز بوده است.

در سیستم بازار سرمایه مدت‌ها است که در مورد سکه طلا، ساز و کارهای تسویه و زیر ساخت‌های معاملاتی آن وجود دارد. اگر بانک مرکزی بنا دارد به سمت راه‌اندازی بازار سلف یا نقدی ارز حرکت کند می‌تواند این زیر ساخت‌ها را فراهم کرده و بازار نقدی و یا هر سیاست گذاری را مدیریت کند اما در زمینه بازار ثانویه فقط در حوزه بورس‌ها می‌توان زیر ساخت‌های آنرا فراهم کرد.

به بیانی دیگر زیر ساخت فراهم می‌شود برای بازیگران بازار مالی. بورس آتی ارز مثل آهن تف دیده‌ای است که می‌توان به آن شکل داد. یک سر بورس ارز می‌تواند شفافیت و بخش دیگر آن مدیریت ریسک و پوشش آن و کشف قیمت و البته پاسخ به تقاضاهای سفته‌بازانه در بازار دلار فردایی باشد.

به تازگی شنیدم که در بازار به اصطلاح فردایی یک سرمایه‌گذار بخش عمده‌ای از درآمد خود را از دست داد چرا که نتوانسته بود ارز خود را تحویل بگیرد و در واقع کلاهبرداری شد آن هم بعد از سال‌ها فعالیت در چنین بازاری. این به این دلیل است که زیر ساخت خوبی برای انجام این گونه معاملات در بستری امن وجود نداشته است. بورس ارز می‌تواند این بستر را فراهم کند.

فارس؛ بانک مرکزی در سال‌های گذشته نشان داده که از بازار آزاد ارز به عنوان محلی برای کسری بودجه استفاده کرده است. آیا بانک مرکزی می‌تواند خود را در چارچوبی به نام بورس ارز قرار بدهد؟ دولت در دوره‌ای که یارانه نقدی می‌داد از سوی وزیر اقتصاد خودش موضوع جبران کسری بودجه از طریق بازار ارز را تأیید کرد.

بانک مرکزی با وجود همه تاکیدها اما هیچ‌گاه استقلال کافی نداشته و دولت به چشم قلک به آن نگرسته است. در این شرایط آیا می‌توان به شفاف‌شدن عملکرد بانک مرکزی نیز امیدوار بود؟

عبده تبریزی: در دولت قبل هیچ‌گاه عنوان نشده که بازار ارز را قبول ندارند. برای ایجاد هر بازار باید ساز و کاری درست کرد. اگر دولت از اول سال بگوید که به چه میزان دلار خواهد فروخت، دیگر نمی‌تواند بر نرخ بازار چندان تأثیر بگذارد.

فارس؛ به نظر شما آیا دولت زیر بار این کار خواهد رفت؟

عبده تبریزی: اگر دولت در دوره زمانی مشخص شده برای عرضه ارز در بازار اقدام نکند، این می‌تواند بر روی قیمت‌ها اثر گذار باشد. اجازه بدهید طور دیگری پاسخ دهم. در دنیا بانک‌های مرکزی عرضه‌کننده ارز نیستند و لزومی ندارد دولت جمهوری اسلامی ایران ارز خود را به بانک مرکزی بدهد. می‌توانست خودش این ارز را از طریق بانک‌های تجاری بفروشد. بنابراین، این سازوکار را با اصلاح قانونی می‌توان تغییر داد. مزیت این اصلاح قانونی آن خواهد بود که دیگر مشکل ضریب پولی و پول اعتباری نیز کم‌تر پیدا می‌شود. وقتی پول را به بانک مرکزی می‌دهیم، تأخیر فروش یا توالی فروش ارز در بانک مرکزی خود محل اشکال می‌شود.

اگر بانک مرکزی ارز را تحویل بگیرد و پس از فروش آن به دولت ریال بدهد، مشکلی در پایه پولی ایجاد نمی‌شود. اما اگر بانک مرکزی مثل دوره تحریم، به محض این که ارزی در حساب‌های دولت می‌آید، بلافاصله ریال معادل آن را به دولت تحویل دهد، این به آن معناست که بانک مرکزی اقدام به خلق پول در اقتصاد کرده و بر اساس آن پول پر قدرت، نظام بانکی نیز پول اعتباری خلق کرده است.

حال وقتی درآمدهای ارزی عملاً به بانک مرکزی می‌رسد و ارز را در بازار می‌فروشد، و ریال ارز فروش رفته به فروش را جمع‌آوری می‌کند، پایه پولی به وضعیت قبل باز می‌گردد. اما آثار و تبعات ناشی از پول اعتباری از بین نمی‌رود. بانک‌های تجاری آن پول‌های اعتباری را خلق کرده‌اند. وقتی بانک مرکزی یک ریال خلق می‌کند و سپس آنرا بر سر جای خودش بر می‌گرداند، به این معنا نیست که پول جدیدی خلق نمی‌شود.

اگر به این اشکال توجه کنیم شاید بهتر باشد قانون را تغییر دهیم و بگوییم حسابدار دولت دیگر بانک مرکزی نیست و بهتر است از این پس ارز خود را به بانک‌های تجاری یا در بازار بفروشد، چرا که فروش ارز دولت به بانک مرکزی در میزان پول اعتباری و ضریب فزاینده‌گی تأثیر می‌گذارد.

فارس؛ در آن صورت بانک مرکزی دیگر عرضه‌کننده عمده ارز نخواهد بود؟

عبده تبریزی: خیر، بانک مرکزی می‌تواند سیاست خود را دنبال کند، بدون آنکه ارز داشته باشد. باید دانست آنچه که آقای سلطانی‌نژاد در مورد نظرسنجی از رؤسای ۱۱ بانک مرکزی در دنیا گفتند، نکته‌ای را در برداشت و آن این که آن بانک‌ها منابع قابل توجه ارزی ندارند و فقط ذخایر ارزی متعلق به بانک مرکزی را دارند. بخش قابل ملاحظه‌ای از

ارزهایی که بعد از تحریم آزاد می‌شود، مربوط به ذخایر بانک مرکزی است. یعنی ارزی است که بانک مرکزی ریال آنرا قبلاً به دولت داده است.

در مورد بازار آتی ارز باید گفت که مقیاس بازار ارز از بازار سکه و طلا بسیار بزرگتر است، هر چند ارز با قیمت سکه همبستگی مستحکمی دارد. در ۴۰ سال گذشته در بازار ارز، ریال اما همیشه با تضعیف قیمت مواجه شده و در مقابل ارز افزایشی بوده است. هر چند سال اول در دولت یازدهم استثناء بوده و ریال تقویت شد، اما همیشه قیمت ارز رو به بالا بوده است. وقتی بازار آتی تشکیل شود، در شرایط فعلی و با این سابقه ۴۰ ساله، چه کسی نگران خواهد بود و پوشش ریسک قیمت ارز را می‌خواهد؟ روشن است طرف تقاضا به دنبال پوشش ریسک است. کسی که عرضه کننده ارز است، نگران کاهش قیمت ارز نیست.

پور ابراهیمی : در بلندمدت موضوع رشد تدریجی قیمت ارز صحت دارد اما در دوره‌های کوتاه مدت و نوسانگیری موضوع به شکل دیگری است.

عبده تبریزی: نرخ تورم بین‌المللی، وضعیت چه خواهد بود؟ پایین تر از نرخ تورم ایران است. اگر بانک مرکزی نخواهد در بازار آتی همکاری کند، وضعیت چه خواهد بود؟ عده‌ای در طرف تقاضا می‌نشینند و عده‌ای هم که به دنبال نوسانگیری هستند وارد بازار می‌شوند و به دلیل گرایش نوسان‌گیران، بازار را به سمت سفته بازی حرکت می‌دهند. از این نظر، همه اعضای شورای عالی بورس معتقدند چنین بازاری بدون همکاری فعال بانک مرکزی نمی‌تواند شکل بگیرد و درخواست کرده ایم که بانک مرکزی در بازار آتی ارز وارد شود و همه سیاست‌های خود را از طریق بازار آتی اجرایی کند.

فارس: این به معنای برخورداری بانک مرکزی از ایستگاه معاملاتی در بورس ارز است؟

عبده تبریزی: بانک مرکزی نیز جزیی از بازار است و در بازی قیمت‌ها در بازار دخیل هست.

فارس: در شورای عالی بورس مطرح بوده که رییس کل بانک مرکزی مخالف این موضوع بوده گویا...

عبده تبریزی: بانک مرکزی آن‌چنان که سایر اعضای شورای عالی بورس علاقه‌مند به راه‌اندازی این بازار بودند، شایق و علاقه‌مند به راه‌اندازی بازار آتی ارز نبود، اما مخالف هم نبود. اگر آقای صمد کریمی در این میزگرد حضور داشتند، مناسب بود که موضع ایشان را هم بشنویم و به آن‌چه می‌گوییم مطمئن شویم.

باید دانست که بورس هم می‌خواهد شرایط سوداگرایی بر بازار حاکم نباشد و بازار وظیفه و فعالیت مالی خود را انجام شود. وظیفه ما ایستادگی در برابر سوداگری است. نمی‌گوییم سفته‌باز نقشی در بازار ندارد و جزیی از آن نیست. در عین حال نمی‌خواهیم چنین انگیزه‌هایی را در بازار تشویق کنیم. بورس به عنوان ابزار پوششی به بازار آتی ارز علاقه‌مند است. در بازار مسکن نیز همین طور است. نمی‌خواهیم مسکن از سوی مردم از صبح تا شب موضوع مبادله و سفته‌بازی و معامله با یکدیگر باشد. در هیچ کجای دنیا این طور نیست. آن‌چه بر آن تاکید می‌کنیم حوزه مصرف مسکن است. در بازار ارز

هم علاقه‌مندیم صادرکننده و واردکننده داخلی از طریق بازار ارز نقطه اتکا و اطمینان داشته باشند. از طرف دیگر، سرمایه‌گذار خارجی هم اگر بورس آتی ارز وجود نداشته باشد، پوشش ریسک ارز مورد نیاز خودش را نمی‌تواند تأمین کند، و ریسک برایش قابل تعریف نخواهد بود.

وقتی سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند ارز را به قیمتی در چند ماه بعد بخرد یا بفروشد، مطمئن خواهد بود که می‌تواند سرمایه خود را منتقل کند. بنابراین، سیاست سرمایه‌گذاری خود را بر مبنای صحیح‌تر و مطمئن‌تری تنظیم می‌کند. نمی‌توان از خارجی‌ها توقع داشت همزمان با تحمل ریسک سیاسی کشور، ریسک نوسان شدید نرخ ارز را نیز تحمل کنند. در این میان، بانک مرکزی می‌باید تعادل، ثبات و ایمنی رژیم ارزی کشور را ایجاد کند.

فارس؛ با توجه به مصوبه شورای عالی بورس آیا در سال ۹۵ با توجه به شرایط اقتصاد شاهد تک‌نرخ شدن ارز و راه‌اندازی بورس آتی خواهیم بود؟

پورا براهیمی: بگذارید جواب سوال قبلی شما را (در این فرصت) اینطور بدهم. تا زمانی که استقلال بانک مرکزی از دولت در ایران تعریف جدید و متفاوتی از شرایط موجود نداشته باشد شائبه‌ها به قوت خود باقی خواهد بود. تا زمانی که استقلال بانک مرکزی به مفهوم این که مصوبات دولت را باید اجرا کند تغییر نکند نمی‌توان گفت مستقل است. چیزی که در دولت‌های قبلی و فعلی همچنان وجود داشته و دارد. درد دنیا چنین چیزی وجود خارجی ندارد و برخی اوقات سیاست‌های بانک مرکزی در تقابل با دولت است. با توجه به این که استقلال بانک مرکزی تعریف نشده این شائبه در ایران همواره وجود دارد که دولت برخی اوقات برای جبران کسری بودجه خودش از نوسان نرخ ارز استفاده کند. البته من معتقدم دولت در شرایط کنونی این کار را نخواهد کرد چون همه تلاش‌های دولت در سال‌های اخیر یک رهاورد داشته و آن کاهش نرخ تورم به ۱۵٫۶ درصد در پایان سال ۹۳ بوده است.

هر تغییر کوچک برای نرخ ارز در سال آینده از سوی دولت آثار تورمی در بر دارد که تمام زحمات آن در کاهش تورم را به باد خواهد داد بنابراین دولت یک مکانیزم خود کنترلی را در این زمینه خواهد داشت. اما اگر از جهاتی دیگر مجبور شود که زیر بار فشارهای اقتصادی برود و روش دیگری برای آن وجود نداشته باشد بدیهی است متناسب با فشارها با توجه به فاصله تورم داخلی با تورم بین‌المللی تعدیل سنواتی را انتظار داشته باشیم.

باید دانست در سال ۸۰ تا ۹۱ کوچکترین تغییر در نرخ ارز را شاهد نبودیم اما در سال ۹۱ دیدیم که با تحریم‌ها این نرخ پرش پیدا کرد. تحریم فقط یک عامل بود اما دلیل اصلی این موضوع نیاز به تعدیل سنواتی قیمت‌ها بود. تعدیل سنواتی به‌طور عادی رخ خواهد داد اما از بابت این که دولت از این تفاوت قیمت ارز به نفع جبران کسری بودجه خود استفاده کند شاید احتمال آن وجود داشته باشد...

فارس؛ در مجلس چگونه این موضوع پیش خواهد رفت؟

پورا براهیمی: قطعاً در مجلس به دنبال تک‌نرخ شدن نرخ ارز پیش خواهیم رفت. چرا که ارز چند نرخی را مایه فساد و عدم شفافیت و ناکارآمدی اقتصادی می‌دانیم. سال گذشته هم این موضوع تکلیف شد به دولت. راهی نداریم و حتی

اگر مطلوب کشور در کاهش تحریم ها وجود نداشته باشد فکر می کنم الزام اقتصاد ایران به سمت شفاف شدن بازار غیررسمی ارز است. اگر در اقتصاد می شود بازار غیررسمی ارز را حذف کرد ما قبول داریم. بازار غیررسمی ارز در ایران وجود خارجی دارد. آیا کسی می تواند آنرا کتمان کند؟

اعتقاد ما بر این است که بازار غیررسمی ارز فقط از طریق بازار رسمی یا هر عددی که وجود دارد انجام شود.

فارس؛ این که قیمت ارز در بازار ایران اکنون چه نرخ تعیین می شود بر چه مبنایی است؟

پوراابراهیمی: معاملات روزانه نقدی ارز در همین میدان فردوسی را می گوئیم نرخ بازار غیررسمی. میانگین این نرخ ها را می گوئیم نرخ رسمی.

فارس؛ هم اکنون درآمدهای نفتی کشور کاهش یافته است. از طرفی، بخش های دیگر از جمله پتروشیمی ها در حال رشد درآمدی اند. با توجه به این که بخش های دیگر صادراتی ایران در حال رشد است، می توان گفت در بازار آتی ارز، بانک مرکزی عرضه کننده ارز خواهد بود؟

عبده تبریزی: به نظر می رسد با توجه به سهم ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیارد دلاری بانک مرکزی از درآمدهای ارزی، همچنان سهم قابل ملاحظه ای از بازار را در دست داشته باشد.

پوراابراهیمی: عدد قابل توجهی همچنان در دست دولت و بانک مرکزی از منابع ارزی هست. ما معتقدیم بدون ایفای نقش جدی بانک مرکزی راه اندازی بورس آتی ارز امکان پذیر نیست.

فارس؛ چارچوب های بازار آتی ارز و این که آیا مشخص شده که عرضه کننده و متقاضی ارز باید چقدر ارز داشته باشد؟ آیا سهم خرد و کلان در بازار آتی ارز تفکیک شده است؟

سلطانی نژاد: بازار آتی بازار تقابل موقعیت های خرید و فروش است. بازار آتی بازار تقابل موقعیت گرفتن برای خرید و فروش است. اگر آپشن را مثال بزنیم فرد در قبال پرداخت پول خود را در برابر افزایش یا کاهش قیمت ها بیمه می کند. بازار آتی تقابل ایده ها و دیدگاهها درباره نرخ های آتی است.

بنابراین ارزی مبادله نمی شود تا این که برسیم به دوره های تحویل که یا شش ماهه و چهار ماهه و چند ماهه بسته به تعریفی که در مشخصات قرار داد آمده تعیین می شود. اما این که اگر فردی چند صد هزار دلار موقعیت بگیرد و شائبه اخلال در عرضه و تقاضا بوجود آید؛ باید گفت در بازار آتی سکه نیز این موضوع وجود دارد که برای حل آن هر یک از کدهای معاملاتی مختلف از سقف مشخصی برخوردار بوده و به تناسب سیاست گذاری ها می توان محدودیت هایی ایجاد کرد. این سیاست گذاری است و این که این بازار چقدر می تواند اهرم ایجاد کند اهمیت داد. وقتی ارزی در موقعیت خرید قرار می دهید که برای دو ماه آینده تحویل بگیرید در ابتدا همه مبلغ ارز را در لحظه قرارداد پرداخت نمی کنید بلکه ۱۰ تا ۲۰ درصد آنرا پرداخت می کنید. این اهرم باعث می شود که هر چه اهرم بالاتر برود جذابیت ورود به این بازار کمتر شود. در دوره ای مارجین ورود به بازار آتی سکه تا ۲۵ درصد هم افزایش یافت تا از نوسان های کاذب بازار سکه کاسته شود.

در مورد ارز نیز همین سیاست گذاری می تواند رخ دهد. مثل داشبوردی که در هر لحظه می توان سرعت و مقدار و غیره را تنظیم کرد بورس نیز چنین سازوکاری را می تواند برای عرضه و تقاضای ارز ایجاد کند.

فارس؛ عرضه کنندگان ارز آیا موظف به عرضه در بازار آتی خواهند بود و یا ورود و خروج به این بازار اختیاری خواهد بود؟

سلطانی نژاد: نه اجباری نخواهد بود.

عبده تبریزی: در بازار آتی به طور معمول افراد ریسک انجام معامله در بازار آزاد و یا غیرمتشکل را قبول نمی کنند. چون تعهدی ندارد و بعید است کسی در بیرون بورس، ریسک کند چون ضمانت اجرا ندارد.

در بورس وجه ضمان و در عین حال نظام تسویه و تعهد وجود دارد و دیگر موارد دیگر. این که افراد بر اساس اعتماد به یکدیگر وجهی را با ۳۰ درصد وجه ضمان بدهند و اگر قیمت ارز به رقم مورد نظر رسید مبلغ مشخصی را بدهد و یا اگر نشد پرداخت نکند بعید است در بیرون از بازار ارز رخ دهد و مواردی که بوده نیز به اختلاف کشیده شده است.

باید معاملات ارز در بازار آتی ارز در یک بازار متشکل صورت بگیرد که در دنیا این بازار متشکل اصولاً بورس کالا است که از بازار کالا و ارزشیکاگو شروع شده و در دنیا ادامه یافته است.

فارس؛ بازار آتی ارز می تواند مورد استقبال وارد کنندگان قرار گیرد. ولی ارز در دست صادر کنندگان است. آیا این بازار برای متقاضیان ارز نیز جذابیت خواهد داشت؟

عبده تبریزی: اگر در روزی به این نقطه برسیم که تورم داخلی کشور با تورم بین المللی متناظر شود برای وارد کنندگان نیز کشش خواهد داشت. بالاخره در همین شرایط در دولت فعلی ارز از ۳۶۰۰ تومان رسید به ۳۰۰۰ تومان. پس افرادی که ارز را در سه ماه بعد از این تاریخ داشته باشند، ضرر کردند. یعنی اگر فرض کنیم در بازار آتی ارز عده ای ارز خود را به مبلغ ۳۶۰۰ تومان فروخته بودند برنده بازار بودند. زیاد می شنویم که در این نوسان ها عده زیادی ورشکست می شوند و وقتی ارز ۳۰۰۰ تومان شد بسیاری از صادرکننده ها و واردکننده ها ضرر کردند. به طور حتم جریان پوشش ریسک وجود دارد اما هر جا بازی هجینگ راه بیافتد برخی با انگیزه سفته بازی به عنوان عناصر بازار حضور دارند که به دنبال سود از طریق سفته بازی هستند. اما هدف اصلی راه اندازی بازار آتی ارز حمایت از صادرکننده و واردکننده است و بیشتر کسانی طرفدار این بازار در بخش خصوصی هستند که متقاضی ارزند و به همین خاطر باید دولت حضور جدی در این زمینه داشته باشد.

فارس؛ خیلی ها معتقدند نرخ ارز می تواند مشکلات اقتصادی زیادی را در کشور حل کند.

عبده تبریزی: تورم هم همین طور است. وقتی دولت خواست تورم را کنترل کند، تمام آثار منفی نرخ تورم بالا بیرون زد، از جمله در صورت های مالی بانک ها، زیان شرکت ها و وضعیت نامناسب بورس. همه این ها نشان دهنده این موضوع است که شما می خواهید یک عامل کلیدی اقتصاد را سر جایش بنشانید و جریان سفته بازی، آمارسازی و غیره را کنترل کنید. ارز نیز همین وضعیت را دارد.

فارس؛ چرا ارز در این کشور نمی تواند مدیریت شود. دولت در این میان نرخ ارز را در بودجه قرار می دهد و به محض کسری در بودجه شروع به بازی گرفتن قیمت ها در بازار می کند. چرا نرخ ارز به سامان نمی رسد؟

عبده تبریزی: هر جایی در اقتصاد که بخواهیم دستوری عمل کنیم، همین مشکلات بوجود می آید. این سازوکار باید عوض شود. پیشنهاد ما این بود که چگونه می شود بازار ارز ایجاد کرد؟ پیشنهاد این بود که دولت در ابتدای سال بگوید تا چه حد می خواهد ارز بفروشد، چون درآمدش معلوم است؛ آن وقت نزدیک ترین شیبه سازی به بازار ارز در اقتصاد ایران اتفاق می افتد. به نظر من، دولت باید آهنگ فروش ارز خود را در ابتدای هر سال اعلام کند و بدون توجه به درآمد ارزی خود، همان مقدار ارز در بازار بفروشد که در اول سال اعلام کرده است. آن موقع بازار تعیین کننده قیمت خواهد بود، چرا که بازار خواهد دانست مثلاً هر هفته ۵۰ میلیون دلار از سوی بانک مرکزی عرضه می شود.

دخالت های بانک مرکزی در بازار ارز را بارها دیده ایم که فسادهایی از سوی برخی افراد بوجود می آورد و شائبه هایی همچون فروش ارز از سوی بانک ها در بازار آزاد و یا دخالت از طرف یک شخص مشخص در بازار را در پی داشته است. درخواست این بوده که بانک مرکزی در بازار نقدی، قیمت ارز را شفاف کند تا بورس بتواند بازار آتی ارز را سامان دهد.

فارس؛ آیا بورس کالا می تواند کمک به راه اندازی بازار آتی ارز کند؟

عبده تبریزی: بله حتماً

فارس؛ آیا معاملات نقدی هم برای این بورس دیده شده؟

سلطانی نژاد: نه از ابتدا صحبت بر سر مشتقات ارزی در بازار آتی ارز بوده است.

عبده تبریزی: بازار نقدی ارز بازار بین بانکی است. این در حالی است که بازار آتی ارز از تجربه طولانی در دنیا برخوردار است و در بورس ها معامله می شود.

فارس؛ حتی فارکس...؟

عبده تبریزی: فارکس بازار جفت های ارزی است و این که بتوانیم فعال وارد بازار فارکس شویم، برای بعضی نهادها ضروری است. بدیهی است بانک مرکزی و بانک ها در بازار فارکس فعال اند و باید هم فعال باشند. اما این که افراد در فارکس اجازه معامله یابند و سامانه لازم در داخل ایران در اختیار آنان قرار گیرد، در برهه ای تشخیص داده شد که به نفع کشور نیست و شورای عالی امنیت ملی ممنوعیت آنرا اعلام کرد.

تا جایی که می دانم اغلب افرادی که از جنبه سوداگری وارد فارکس شدند، اغلب برنده نبودند و کسی برای پوشش ریسک وارد نمی شد. ولی بدیهی است برای پوشش ریسک چنین بازاری لازم است. فارکس فقط ارزها نیستند، بلکه نوسان قیمت کالاهای اساسی هم از طریق این بازار قابل پوشش است.

فارس؛ اگر بخواهیم ریال را کنار دلار بگذاریم و بازار آتی ارز درست کنیم، آیا بهتر نیست این بازار ابتدا در مناطق آزاد تجاری تشکیل شود؟ آیا ریال نباید وارد فارکس شود؟

عبده تبریزی: باید اول به جایی برسیم که بازار جفت ارزی (ریال با بقیه ارزها) را درست کنیم. چندان موافق راه اندازی بازار ارز در مناطق آزاد تجاری نیستم، چون عملاً نمی توانیم کنترل کنیم که در سرزمین اصلی این معاملات ریشه نداشته باشد. پس باید بتوان این بازار را در سرزمین اصلی و مناطق آزاد همزمان تشکیل داد. سپس ریال را در بازار فارکس وارد کرد.

جفت های ارزی در هند ابتدا معامله شد و بعد در دبی مرکزیت پیدا کرد و پس از آن در فارکس هم وارد شد. ریال هم اگر طی دوره زمانی بلندمدت (به طور مثال در ۱۰ سال) با عدم نوسان های جدی مواجه نشود و بازاری برای آن وجود داشته باشد، بدون اجازه ما وارد فارکس می شود و آن بازار ایجاد می شود. کما این که برای راه اندازی بازار معاملات سایر ارزها هم از کسی اجازه گرفته نشده است.

سلطانی نژاد: برای معامله جفت دلار و روپیه کسی از دبی اجازه نگرفت و معاملات روپیه در برابر دلار را در بورس کالای دبی راه اندازی کردند.

فارس؛ آیا خواسته بانک مرکزی در شورای عالی بورس مبنی بر یکسان سازی نرخ ارز مطرح شد؟
بله، در جلسه اخیر شورای عالی بورس، رییس کل بانک مرکزی راه اندازی بازار آتی ارز را مشروط بر این دانستند که یکسان سازی نرخ ارز قبل از راه اندازی چنین بازاری شکل گرفته باشد و اعضای شورا هم این موضوع را پذیرفتند.
فارس؛ ممنون از سعه صدر و حضور کارشناسان محترم در این میزگرد.

مجریان میزگرد:

مریم حاج نوروزی

رضا امامی

مرتضی ماکنالی